

ششمین فلسفه تحریم ربا

ربا و بحران های اقتصادی

تقسیم ربا به «عادلانه» و «غیر عادلانه» توطئه خطرناکی است که بعضی از رباخواران برای ادامه برنامه کثیف خود اختراع کرده اند.

بررسی وضع اقتصادی آن جامعه از جهات زیادی قابل پیش بینی است. اهمیت مسأله تحریم ربا درست از همین رهگذر است چرا که ربا در حقیقت جامعه را به سرطان اقتصادی که بی شباهت به سرطان خون نیست مبتلا می سازد. از خطرات مهمی که رباخواری برای اقتصاد جامعه دارد و درست یکی از فلسفه های تحریم ربا محسوب می شود ارتباط آن با بروز بحرانهای اقتصادی است. محمد ابو زهره (استاد دانشگاه قاهره) در رساله ای که در این زمینه نگاشته

تقسیم اقتصاد در هر جامعه ای مانند خون است در بدن، یک اقتصاد سالم همانند خون سالم است، و یک اقتصاد ناسالم همانند خون کثیف و آلوده، که تمام بدن را آلوده می کند. خون، تمام وجود انسان را تشکیل نمی دهد، ولی یک رکن مهم حیات و هسی ما است و همانگونه که نوسانات سلامت و بیماری ما، در خونمان منعکس می شود، و از طریق میزان فشار خون و ترکیبات مختلف آن قابل تشخیص است، همچنین نوسانات سلامت و بیماری یک جامعه با مکتب اسلام

است می گوید:
در سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ بحران عظیمی در اقتصاد جهان پیدا شد که بررسی و مطالعات دانشمندان پیرامون آن شان داد و عامل اصلی مسأله رباخواری بوده است.

به این ترتیب که شرکت های مختلف وامهای نزرولی کلانی از بانکهای رباخوار گرفتند، و به دنبال آن عرضه اجناس مختلف از حد فزون گشت، و تقاضا نسبت به آن کم شد، بکری عجیبی همه جا را فرا گرفتند «روزولت» رئیس جمهوری وقت آمریکا ای مقابله با این وضع دستور چاپ اسکناس بدون پشتوانه داد، و به اصطلاح امروز تزریق پول به بازار از این طریق شروع شد، این پولها را که باید پول مصنوعی نام نهاد به شرکت ها دادند تا بتوانند ارضای خود را بپردازند، و اینکار خود ضرر نورم و ترقی مراسم آورن ربحها را به دنبال داشت. (۱)

در حالی که اگر مسأله وامهای نزرولی مطرح نبود بانکهای رباخوار برای دادن وام و اعتبار باهم مسابقه نمی گذاردند، و دستم پولی این چنین گرفتار بحران نمی شد و نظام عرضه و تقاضا بهم نمی خورد. اصولاً یک اقتصاد سالم باید بر اساس حکومت کار بیجان شود، نه بر اساس حکومت سرمایه.

۱- اسلام و مشکلات اقتصادی ص: ۱۵۶

در صنعت، کشاورزی، دامداری و تجارت سالم همه جا کار باید حکومت کند، در حالی که چیزی که در رباخواری مطرح نیست حکومت کراست، چرا که درآمد و سود تنها بر معرور احتکار سرمایه و استفاده از گذشت زمان دور می زند.

جالب اینکه در حدیثی از امام صادق (ع) چنین می خوانیم: شخصی خدمتش عرض کرد کسی را می شناسم که ربای می خورد و نام آنرا « لیماء » می گذارد! فرمود: لئن امکنی الله منه لا ضرین عنه: « اگر خدا توفیق دهد و دستم به او برسد دستور نابودی او را خواهم داد. (۱)

« لیماء » همان شیر آغوز یعنی نخستین شیر انسان یا حیوان را می گویند، که اثر فوق العاده حیاتی دارد، و معروف است اگر نوزاد از آن کنوشد غالباً حیاتش به خطر می افتد، و شاید به همین دلیل در فقه اسلامی دادن این شیر به نوزاد از فرائض شمرده شده است.

اکنون فکر کنید کسی که ربا بخورد، و نه تنها احساس گناه ننماید بلکه آنرا چو « شیر آغوز مادره حلال و مباح و گوارا بشمرد، چنین شخصی با چنین طرز تفکری مسلماً مایه فساد جامعه و بیچارگی تشرهای مستضعف می باشد.

* * *

پاسخ به يك ايراد مهم
در اینجا ذکر يك نکته را کاملاً ضروری
سال بیست و یکم شماره ۵

می دانیم: بعضی می گویند ربای عادلانه! کاملاً منطقی است، ربای عادلانه، چیزی است که اخیراً بعضی از آن دم می زنند و می گویند درست است که سود پول گرفتن رباخواری و گناه بزرگ است ولی آیاتی اگرما مقدار تفاوت ارزش پول و بایعبارت دیگر تورم حاصل بر اثر گذشت زمان را هم بگیریم باز ربا است؟!.

فی المثل ۱۰ هزار تومان به کسی وام یکساله داده ایم، و در مدت این یکسال نرخ تورم قرصاً ۱۰ درصد بوده است، یعنی قدرت خریدی که با ۱۰ هزار تومان در سال گذشته داشته ایم به مقدار ۹۹ هزار تومان امسال است! آیا اگر این تفاوت را که یک هزار تومان است به عنوان سود بگیریم (یعنی به جای ۱۰ هزار تومان وام بعد از یکسال ۹۹ هزار تومان دریافت داریم) آیا باز هم ربا محسوب می شود؟ در پاسخ با صراحت می گوئیم: آری اینهم ربا است، زیرا:

اولاً اینگونه استنتاجها همیشه خطرناک است، چرا که راه را برای رباخواران می گشاید، و هر کس می تواند ادعا کند، سودی را که گرفته تفاوت قدرت خرید پول و یا معادل تورم است، و هیچ معیار وضابطه ای هم برای این مسأله وجود ندارد، به خصوص اینکه می بینیم حتی گزارشهای مقامات رسمی در زمینه نرخ تورم آمیخته با مسائل سیاسی است که گاهی بیشتر از آن نشان

مکتب اسلام

می دهند!

ثانیاً اگر دلیل رباخواران برای گرفتن ربا این باشد آیا اگر به راستی شرائطی پیش آید که قدرت خرید پول با گذشت زمان افزایش یابد (مثلاً اکنون که جنگ است قدرت خرید پول ما بسیار کم شده، ولی پس از پایان گرفتن جنگ به خواست خدا وضع بهتر می شود) آیا رباخواران حاضرند در این صورت لی المتل به جای ۱۰ هزار تومان وام که داده اند ۹۹ هزار تومان دریافت دارند (یعنی نه تنها سود نگیرند بلکه چیزی هم از اصل سرمایه کم کنند) چون قدرت خرید پول افزایش یافته؟.

اصولاً شاید اینهمه تأکید روی قرض-انجمنه و آن همه ثواب و فضیلتی که برای آن در روایات اسلامی ذکر شده یک دلیلش همین باشد که غالباً با گذشت زمان و افزایش تورم ارزش پول بائین می آید و شخص وام دهنده در حقیقت مبلغ کمتری را دریافت می کند، گوئی علاوه بر اینکه کار وام دهنده را راه انداخته چیزی را به بخشیده است!

به حال ما بعضی در فقه و اصول فقه «داریم به نام «حمایت حمی» یعنی گاه لازم می شود که برای حفظ کسب قوانین و پایان دادن به هرگونه سوء استفاده از استثنای صریح نظر شود، مخصوصاً استثنای گنگ و مبهم که دستاورد خوبی برای سود جو یان است.

بقیه در صفحه ۳۷

که پیامبر بعد از نزول آیه فوق چنین فرمود:
 «لازیدن فی الاستغفار لهم علی سبعین
 مرة، رجاء منه ان یغفر الله لهم نزلت»
 سواہ علیہم استغفرت لهم ام لم تستغفر
 لهم لن یغفر الله لهم» یعنی «بغدا سوگند
 بیش از هفتاد بار برای آنها استغفار می‌کنم
 به این امید که خداوند آنها را بیامرزد» در
 این هنگام آیه سوره منافقان نازل گردید که
 خداوند در آن می‌فرماید: تفاوت نمی‌کند
 چه برای آنها استغفار بکنی چه نکنی هرگز
 خداوند آنها را نمی‌آمرزد» (۱)

ولکن خواننده باتوجه به آیه مورد بحث
 و مخصوصاً با ملاحظه علتی که در ذیل آن
 آمده است (وذلك بانهم کفروا بالله ورسوله)
 می‌فهمد که عدد هفتاد برای تکثیر است و
 کنایه از نفی مطلق توأم با تأکید می‌باشد.



برای تکثیر است نه شمارش و تعداد
 و معنای آیه اینست که هر قدر برای آنان
 استغفار کنی خداوند آنان را نمی‌آمرزد و
 این گونه تعبیر در واقع برای تأکید مطلب
 است چنانکه در سوره «منافقون» آیه
 «نظیر همین تعبیر را آورده است آنجا که
 می‌فرماید: سواہ علیہم استغفرت لهم ام
 لم تستغفر لهم لن یغفر الله» تفاوت نمی-
 کند چه برای آنها طلب آمرزش کنی یا نکنی
 خداوند آنها را نخواهد بخشید»

البته این مطلب که مراد از سبعین
 (هفتاد) تکثیر است نه تعداد برخلاف برخی
 از روایاتی است که علماء اهل تسنن آنها
 را نقل کرده است ملهوم آنها اینست که
 پیامبر از عدد هفتاد در این آیه تعداد فهمیده
 است از جمله این روایات روایت زیر است

۱- تفسیر طبری ج ۱۰/۱۳۸

دسیم . و به ابعاد دیگر او توجه

(بقیه دارد)

بقیه از صفحه ۱۲

و متنوع بودن رباخواری بطور کلی
 در واقع بغضاطر رعایت همین اصل است
 و در صورت تقسیم ربا به «ربای عادلانه»
 و «ظالمانه» همه رباخواران لباس عدالت
 در تن می‌پوشند ، و در صف عادلان در-
 می‌آیند و ربای آنها حد در ضد عادلانه
 خواهد بود.

سال بیست و یکم شماره ۵

بینه از صفحه ۲۸

و حکومت هم این حیلہ را به خوبی
 فهمیده بود که همیشه در عدد شغل ۵های
 کاذب، مخدر و خفه کن بود.

با توجه به نکات بالا، به این حقیقت
 دست می‌یابیم که: نوجوان و جوان ،
 با آن شرائط ، نماز اسلام به معنی اسلام
 خیردار شده و نه از سیاست به معنی
 سیاست .

اکنون لازم است ، نکات دیگری
 را در زندگی جوان ، مورد دقت قرار